

در بازی جهانی سرمایه داران با هم

ف. م. جواتشیر

فصل دوم - کالا و تولید کالایی

۷- وظایف پول

پول، زمانی که از سایر کالاها جدا می شود و به عنوان يك کالای ویژه در برابر سایرین قرار می گیرد، قادر به انجام وظایفی است - و این وظایف را انجام می دهد - که از عهده هیچ کالای دیگر بر نمی آید. این وظایف به شرح زیرند:

الف - اندازه گیر ارزش ها. اولین وظیفه ای که پول به عهده می گیرد عبارت است از اندازه گیری و سنجش ارزش سایر کالاهاست. پول واحد و مقیاس اندازه گیری کار لازم اجتماعی است که در سایر کالاها وجود دارد. پیدایش سکه با نام رسمی و شناخته شده که بیانگر وجود و مقدار وزن معینی از طلا (یا نقره) است، کمک می کند که پول وظیفه خود را به عنوان ارزش سنج سریع تر و دقیق تر انجام دهد.

پول برای این که وظیفه ارزش سنجی و قیمت گذاری را انجام دهد، نیازی به حضور مستقیم ندارد. هر صاحب کالائی می تواند در بازار کالای خود را قیمت گذاری کند - یعنی در مقایسه با پول بسنجد، بدون اینکه هنوز واقعا پولی در میان باشد. وقتی ما می گوئیم ماشین آلات فلان کارخانه ده میلیون تومان ارزش دارد، فلان ساختمان يك میلیون تومان می ارزد و غیره، این بدان معنا نیست که ده میلیون تومان یا يك میلیون تومان در دست ما موجود است. ما ارزش این کالاها را با پول تصویری و ذهنی اندازه می گیریم و پول را در ذهن خویش واحد و مقیاس اندازه گیری و ارزش سنجی قرار می دهیم.

با این حال اگر پول همواره به صورت ذهنی باقی بماند موفق به انجام وظیفه ارزش سنجی نخواهد شد. چرا که ارزش کالاها تنها در جریان مبادله است که ظاهر می شود. و هر چه مبادله وسیع تر و گردش کالاها بیشتر و خرید و فروش واقعی زیادتیر باشد، طبیعی است که قیمت واقعی کالاها دقیق تر معلوم شده و پول وظیفه ارزش سنجی خود را بهتر انجام خواهد داد.

ب - وسیله گردش. دومین وظیفه پول عبارت است از ایفای نقش واسطه و وسیله گردش. هرکالائی ابتدا به پول بدل می شود تا سپس به کالای دیگر بدل شود و مجموعه کالاها در بازار تنها بوسیله پول مبادله و دست بدست می شوند تا از تولید کننده به مصرف کننده برسند.

اگر پول به عنوان ارزش سنج نیازی به حضور مستقیم ندارد، به عنوان وسیله گردش باید مستقیما حاضر باشد. در خرید و فروش واقعی - نه قیمت گذاری - لازم است که در برابر کالا پول واقعی پرداخت شود. با اینحال در این مورد نیز با گذشت زمان و گسترش و تکامل تولید کالائی تغییری پدید می آید و آن این که ممکن است نه يك پول واقعی، بلکه علامت و نشانی که بر وجود پول واقعی دلالت دارد وسیله گردش قرار گیرد. وقتی هدف فروشنده کالا خریدن کالای دیگری باشد برای او این مطلب اهمیت ندارد که در برابر کالائی که فروخته پول واقعی به دست آورده و یا حواله و نشانه ای دال بر وجود آن. زیرا او با

دادن همین حواله و یا نشانه به تولید کننده دیگر خواهد توانست کالای مورد نیاز خود را از او بگیرد.

از این امکان است که پول کاغذی، اسکناس، چک، حواله و غیره پدید می آید. دولت پول کاغذی منتشر می کند.

پ - وسیله زراندوزی. وقتی مبادله مستقیم کالاها جای خود را به مبادله غیرمستقیم و با واسطه پول می دهد، یعنی وقتی به جای مبادله گندم با پیراهن، ابتدا گندم با پول و سپس پول با پیراهن مبادله می شود - این تغییر تنها تغییری در شکل و ظاهر نیست. تغییری است که در ماهیت اثر می گذارد. در مبادله مستقیم تحویل هردو کالا هم زمان بود. دارنده گندم همان وقت که پیراهن را می گرفت گندم را تحویل می داد. اما وقتی لازم می آید که ابتدا گندم خود را به پول بدل کند ضرورت همزمانی از میان می رود. او می تواند پول را - تا وقتی که دلش خواست نگاهدارد و آنکه پیراهن و یا کالای دیگر بخرد و یا نخرد.

از اینجا اولاً وضع خاصی در بازار مبادله پدید می آید. و این امکان پیدا می شود که صاحبان پول از خرید خودداری کنند و بخشی از کالاها در دست تولیدکنندگان بماند. و از آنجا که ادامه تولید بدون فروش محصول تولید شده مقدور نیست، کار تولید دچار نابسامانی شده بحران پدید می آید. در تولید کالائی ساده این امکان هنوز امکان عینی واقعی نیست و تولید در چنان سطحی قرار ندارد که مقادیر قابل ملاحظه ای کالا در بازار بماند و خریدار نیابد. اما این امکان در بازار سرمایه داری به واقعیت می پیوندد.

ثانیاً - از امکان فروش و سپس خودداری از خرید، امکان جمع آوری پول و زراندوزی پدید می آید. پول وظیفه جدیدی به عهده می گیرد و از وسیله گردش به وسیله انباشتن ثروت بدل می شود.

ایجاد ذخیره معینی از پول در حالت عادی از خصلت گردش کالا ناشی می شود. زیرا هر فروشنده ای باید کالای خود را در هر لحظه ای که مشتری پیدا کرد بفروشد تا در فرصت و لحظه دیگری وقتی که کالای مورد نیاز خود را یافت، بخرد. چه بسا برای خرید کالای معین که گران است، تولید کننده باید چندین بار کالاهائی را که تولید کرده به بازار برده بفروشد تا پول آن ها را جمع کند. خریدهای کلان خواه ناخواه انباشت معینی از پول را طلب می کند.

اما در جامعه های منکی بر مالکیت خصوصی وسایل تولید، جمع کردن پول رفته رفته از صورت ضرورتی ناشی از روند تولید و مبادله خارج شده و به صورت هدف در می آید و آنهایی که امکان دارند پول را می اندوزند و گنجینه می سازند.

زمانی که پول وظیفه زراندوزی را به عهده می گیرد باید پول واقعی باشد. در جامعه های سرمایه داری با اقتصاد تکامل یافته و بگرج پول کاغذی یا اسکناس نیز وظیفه زر اندوزی را تا حدودی انجام میدهد، اما گنجینه ای به وجود نمی آورد و همواره با این خطر روبرو است که ارزش خود را از دست بدهد. به این دلیل زراندوزان نگهداری خود طلا را ترجیح می دهند.

ت: وسیله پرداخت : علاوه بر وظایف فوق، پول وظیفه وسیله پرداخت را نیز بر عهده دارد. و این وقتی است که معامله نسبه انجام شده و خریدار کالای مورد نیاز خود را به شرط پرداخت در سر موعد و مهلت معین خرید باشد. این حالت معامله نسبه و یا واگذاری اعتبار نقش جدیدی به پول می دهد و امکان گردش مستقل پول را فراهم می آورد. حالتی بوجود می یابد که بدون این که در لحظه مفروض، کالایی در گردش باشد، خود پول مستقلاً می گردد. مثلاً در موقع پرداخت حقوق و دستمزد کارگران و کارمندان، واگذاری اعتبار سرمایه گذاری، واگذاری قرض و نظایر این ها. در اینجا پول دست به دست می شود، بدون این که خرید و فروش بلافصلی در میان باشد. نقش جدید پول به مثابه وسیله پرداخت امکان می دهد که اشکال جدیدی از پول و یا نشانه های پول پدید آید که عبارت از پول اعتباری

است. مانند سفته، کسی که نسبه خرید کرده، سفته ای به فروشنده می دهد که در آن مهلت سر رسید و شرایط پرداخت تعیین شده است. کسی که سفته را بدست آورده می تواند با استفاده از آن برای خرید کالای مورد نظر خویش با شخص سومی وارد معامله شود و سفته شخص دوم را به او واگذارد تا آن ها با هم حساب خود را تصفیه کنند. به این ترتیب سفته مانند پول عمل می کند .

ث- پول جهانی . تکامل تولید کالائی و گسترش بازرگانی میان کشورهای گوناگون وظیفه تازه ای بر گردن پول می گذارد که عبارت است از ایفای نقش پول جهانی. در اینجا پول باید لباس ملی خود را به دور افکند و به صورت پول واقعی - یعنی فلزات گرانبها و قبل از همه طلا وارد میدان شود. اسکناس های معمولی، سفته و اوراق بهاداری که در درون مرزهای يك کشور دارای اعتبار است در عرصه جهانی از اعتبار می افتند .

در زمان ما کشورهای سرمایه داری کوشش فراوان کرده اند تا شاید به جای پول واقعی، یعنی طلا، پول دیگری از نوع اسکناس در مبادلات بین المللی وارد کنند. اما این کوشش به نتیجه دلخواه آنان نرسیده است. پول هائی نظیر دلار که در سالهای پس از جنگ دوم جهانی در صورت کاغذی و اسکناس آن نیز تا حدودی نقش پول جهانی را ایفا می کردند به اتکاء طلائی بود که در پشتوانه واقعی داشتند. از روزی که این پشتوانه را از دست داده اند اعتبار سابق را ندارند. ما هم اکنون شاهد بحران بزرگی هستیم که مجموعه نظام مالی و پولی جهان سرمایه داری را فرا گرفته است.

۸- قانون ارزش

هر کالائی در بازار بنابر ارزشی که دارد، یعنی بنابر مقدار کار لازم اجتماعی که در آن نهفته، مبادله می شود. این قانون اقتصادی تولید کالائی است که بطور عینی و خارج از اراده تولید کنندگان وجود دارد و عمل می کند. بر مبنای این قانون کار انفرادی تولید کنندگان به کار اجتماعی بدل می شود. عملکرد این قانون در تولید کالائی مبتنی بر مالکیت خصوصی خودپو (خود به خودی) کور است. این قانون در جریان رقابت شدید تولید کنندگان پدید می آید و عمل می کند. این قانون نسبت کمی کالاهائی را که مبادله می شوند و به معنای ساده تر - قیمت کالا ها را تعیین می کند . اگر قیمت پائین تر از سطح ارزش کالا باشد، تولید آن کم می شود، اگر بالاتر از ارزش باشد تولید آن افزایش می یابد و در نتیجه نظمی در بازار بر قرار می شود. این قانون به تولید کنندگان می فهماند که کدام کالا مورد نیاز جامعه است، خریدار دارد، و کدام کالا مورد نیاز نیست، چه مقدار کار برای تولید کالای معین باید صرف شود که تولید آن با صرفه باشد. این قانون " کمک " می کند که تولید کنندگان به سوی تولید کردن کالاهائی روی آورند که بیشتر مورد نیاز است و تلاش کنند بارآوری کار را بالا برده با صرف مقدار کمتری کار محصول بیشتری بدست آورند تا در موقعیت بهتر قرار گیرند .

اما از آنجا که تاثیر قانون ارزش خودپو و ناآگاهانه است، "کمک" این قانون برای ایجاد نظم در امر تولید به بهای گرانی برای بسیاری از تولید کنندگان تمام می شود. آنان چه بسا پس از زحمات فراوان وقتی محصول را به بازار می آورند تازه متوجه می شوند که سایر تولید کنندگان توانسته اند بارآوری کار را بالا برند و برای هر واحد کالا مقدار کمتری کار صرف کنند. در چنین حالتی ستاره بخت برخی از تولید کنندگان می درخشد و ستاره بسیاری دیگر خاموش می شود و بدین ترتیب تاثیر خودپوی قانون ارزش باعث تجزیه تولید کنندگان می شود: عده ای را ثروتمند میسازد و عده ای دیگر را به فقر می کشاند و به این ترتیب زمینه عینی فراهم می آورد که تولید کنندگان کالا در طول زمان به دو طبقه اجتماعی تبدیل شوند: برخی از آنها صاحب ثروت شده بتوانند وسایل تولید بیشتر بخرند و عده ای را به مزدوری بگیرند، برخی دیگر ورشکست شده وسایل تولید خود را از دست بدهند و مجبور شوند به مزدوری رفته نیروی کار خود را بفروشند.

این روند تجزیه به دو قطب، هنگامی که آغاز شد، مانند بهمن پیش می رود و به نسبت پیشرفت آثار و عواقب آن محسوس تر می شود. به ثروت رسیدگان امکان می یابند بر استعداد رقابت خود در بازار بیافزایند و هر بار با شرایط بهتری در بازار حاضر شوند و از این راه ورشکستگی تولید کنندگان فقیرتر را که در میدان رقابت روز به روز تضعیف می شوند - تسریع کنند .

چگونگی این تحول کیفی و شرایط انجام آن را در صفحات بعد به تفصیل بررسی خواهیم کرد .

راه توده ۱۷۸ ۲۶,۰۵,۲۰۰۸